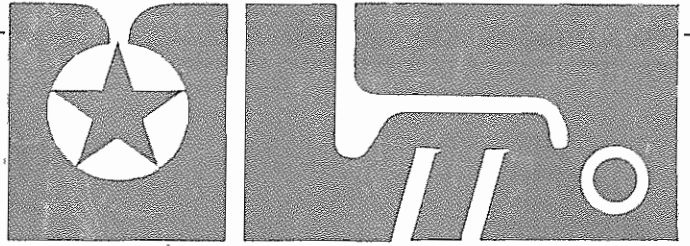


۹۰۱۶



نشریه دانشجویان موادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در خارج از کشور

سال پنجم اسفند ۶۴ (مارس ۸۶) شماره ۴۰

۱۱۱۱۱۱



۸ مارس، روز جهانی زن گرامی باد



پیام کمیته مرکزی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بهمن است شانزدهمین سالروز بنیان گذاری

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و

هشتمین سالروز قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ماه

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

۱۹ بهمن ماه هر سال یادآور حماسه سیاعکل و بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران می باشد. روزی که صغیر گلوه‌سای فداییان خلق در سیاعکل سکوت و آرامش رژیم دیکتاتور شاه را در رم شکست و به عنوان روزی بزرگ و فراموش نشدنی در تاریخ مبارزات میهنمان جای ویژه‌ای به خود اختصاص داد.

ما امسال در شرایطی ۲۲ بهمن، سالروز قیام شکوهمند بهمن ۵۷ که طی آن رژیم سلطنتی در ایران به‌گور سیرده شد و سالروز حماسه سیاعکل را سرآغاز جنبش نویی کمونیستی ایران را گرامی می‌داریم، که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با حمایت امپریالیسم جهانی برای ادامه سلطه جابرانه خود و بهره‌کشی بیشتر از کارگران و زحمتکشان میهنمان به عربان نرین و سبعانه‌ترین روشهای کشتار، شکنجه و ارباب منوسل شده است. رژیمی که تمامی دستاوردهای قیام مسلحانه توده‌سای مردم را بازپس گرفت، همه جانفشانان ما و فداکاریهای نموده مردم را که برای براندازی ظلم و ستم و بیدادگری و برقراری حکومتی دموکراتیک و انقلابی بر ویرانه‌های کجاستمگران بود نادیده گرفت، و خود به دشمن سوگند خورده کارگران و زحمتکشان ایران به جای رژیم شاه به دفاع از سیادت سرمایه برخاست. این رژیم طی دوره حکومت ۷ ساله‌اش جز جنگ و خونریزی، شکنجه و سیرباران، افزایش فقر و فلاکت عمومی و دیگر مصائب اجتماعی چیزی به بار نیاورده است. هم‌اکنون موقعیت رژیم بیش از پیش بحرانی است، ادامه جنگ بر دامنه بحران اقتصادی و سیاسی رژیم افزوده است. رژیم با یک بحران مالی روبروست، بخش عظیمی از درآمدهای بودجه دولت را هزینه‌های جنگی می‌برد.

- پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت شانزدهمین سالروز بنیانگذاری سجعفا و هشتمین سالروز قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ماه ۲
- گزارشی از: چگونگی تکوین و احرای توطئه مسلحانه علیه مرکز فرستنده رادیویی صدای فدایی ۳
- اخبار ایران ۹
- اخبار جهان ۱۲
- اخبار جنبش دانشجویی ۱۹
- حدیث نوروز و بهاران ۲۳
- یادها: سخنان انگلس در سوک مارکس ۲۸
- آغاز حرکت‌های آزادیخواهانه زنان ایرانی ۳۰
- آموزش و آزه‌ها: طبقه، دولت ۳۶
- گزارشی از زندان ۴۰
- از خوانندگان ۴۷
- کد کمکیهای مالی ۵۰
- رفیق حسن مظهر آگاه، صداقت و ۵۱

سازمان چریکهای فدائی

رویین حکومت کابری

جهان‌گرایی باد

گزارشی از:

چگونگی تکوین و اجرای توطئه سلحشانه علیه مرکز فرستنده رادیویی صدای فدایی

اصل گزارش و گزارش دمی به دلیل غیرواقعی بودن گزارشات اقدام به بازرسی از تشکیلات کمیته کردستان کرد. طی بازرسی نیروهای تشکیلاتی و پیشمرگان کمیته کردستان به موجب مناسبات غیرتشکیلاتی و روابط محفلی به لیبرالیسم حاکم بر تشکیلات و نبود نظم و انضباط بیرونی و برخوردی عصبی و غیر اصولی عباس، عدم رسیدگی و حل به موقع مسایل و مشکلات نیروهای تشکیلات، عدم آموزش و پرورش کادرها به روحیه و گرایشات محفلی فرید و دامن زدن به محفلیسم در تشکیلات توسط او اعتراضات شدیدی کرده بودند. رفقای کمیته مرکزی با اقدام به بازرسی واقعیتهای شرم آور کمیته را دریافتند و با گزارش نتایج بازرسی به تشکیلات و ارائه رهنمودهای انقلابی و ترمیم کمیته به مقابله با لیبرالیسم حاکم بر تشکیلات کمیته کردستان برآمده و به رفیقانه ترین شکلی خواستار تحکیم مناسبات انقلابی و فعال شدن سیستم تشکیلاتی سازمان در کمیته کردستان شدند که بر اساس آن مقرر شد مبارزه همه جانبه علیه دسه بندی و محفلیسم حاکم بر تشکیلات با سازماندهی دقیق پیش برده شود، به مسایل و مشکلات به موقع و سریع رسیدگی شود، اصل انتقاد و انتقاد از خود در کلیه سطوح جاری باشد. متن گزارش نتایج بازرسی و رهنمودهای آن ضمیمه است. اما از همان روزهای اول تضاد شدیدی میان اعضای کمیته به علت تقابل دو بینش کاملا متضاد بروز کرده است. یک دیدگاه با دفاع از اصول و روابط تشکیلاتی خواستار اجرای رهنمودهای کمیته مرکزی مبنی

عوادار سازمان در خارج از کشور در این باره انتشار یافته است. ما برای اینکه خوانندگان جهان را از جزئیات این توطئه خائنه آگاه سازیم، سرمقاله‌ی ریگای گله شماره ۳۸ را در اینجا درج می‌کنیم. درم به یادآوری است از آنجا که متن این نوشته دوباره تایپ شده است، مسئولیت هرگونه اشتباه احتمالی به عهده ماست.



گسست نیروهای سازمان در منطقه بود. گزارشات رفقای پیشمرگه مدافع خط انقلابی سازمان حکایت از وارونه جلوه دادن واقعیتها توسط عباس مسئول کمیته کردستان می‌کرد. گزارشات سراپا دروغ مسئول ذابالی کمیته کردستان اشاره به تشکیلات منضبط و فعال داشت که بر اساس سوء استفاده این فرد از اعتماد رفیقانه حاکم بر سازمان تنظیم شده بود. اما مسئول بی‌پرنسیب کمیته در عمل با اجرای مقاصد مدنی و فرید تشکیلات را عرصه ترکنازی‌های چند عنصر معلوم الحال ضد سازمان و در راس همه فرید قرار داده بود که هر نیروی متعهد به سازمان را با زیر فشار سرکوب ناچارا به انزوا نماید یا با پیرونده سازی اخراج کند.

علی‌رغم دریافت چنین گزارشاتی و پس از خروج دهها تن از پیشمرگان در اعتراض به مناسبات حاکم بر تشکیلات کمیته، از سون عباس، گزارش غیرواقعی از پیشبرد وظایف سازماندهی، تبلیغ و ترویج مواضع سیاسی - ایدئولوژیک سازمان ارائه می‌شد. کمیته مرکزی سازمان علی‌رغم اعتقاد و تاکید بر

سمن طور که در جهان ویژه به اطلاع رساندیم در تاریخ ۴ بهمن ۶۴ گروهی به رهبری باند مدنی - شیبانی به مرکز فرستنده رادیویی صدای فدایی حمله کردند که در نتیجهی دفاع قهرمانانه رفقای پیشمرگه سازمان این توطئه خنثی شد. تاکنون اطلاعیه‌های متعددی از سوی کمیته مرکزی و بخشهای دیگر سازمان و همچنین از سوی تشکلهای

خلق قهرمان و رزمنده کرد! همچنانکه در اعلامیه‌های کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران آمده و در اطلاعیه‌های بخشهای دیگر سازمان نیز منعکس است در تاریخ ۴ بهمن مرکز فرستنده رادیویی صدای فدایی در معرض حمله گروهی مسلح تحت هدایت باند مصطفی مدنی - حماد شیبانی فرار گرفت که با دفاع قهرمانانه مدافع خط انقلابی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران این توطئه خنثی شد.

ما به منظور اینکه خلق دلاور کرد در جریان کامل این توطئه قرار گیرد گزارش مشروح توطئه را که در مقر کمیته کردستان طراحی و در مقر رادیویی صدای فدایی به اجرا درآمد به طور کامل بیان می‌کنیم.

کمیته کردستان به عنوان کانون توطئه‌های مصطفی مدنی و فرید در تحریم مواضع اصولی سازمان و پیش بردن مقاصد لیبرالی (توده‌ای - اکثریتی) دچار انحرافی بود که هر روز بر اعتبار و اتوریته سازمان لطمه وارد آورده و موجب انفعال و

بر ایجاد تشکیلاتی منسجم، منضبط و ادامه‌کار و دگرگونی مناسبات حاکم بر تشکیلات کمیته‌کردستان با سازماندهی دقیق نیروها و با پیش بردن امر انتقاد و انتقاد از خود، فعال کردن سیستم گزارش دمی، اعمال کنترل و نظارت دقیق کمیته بر تشکیلات، دیدگاه مقابل که ایجاد هرگونه تحول انقلابی در مناسبات حاکم بر تشکیلات را در تضاد با منافع باند خود می‌دید با دفاع آشکار از محفلیسم به سنک اندازی در برابر دیدگاه اصولی و انقلابی می‌پرداخت. مدافعین این دیدگاه لیبرالی، فرید و عباس با اشاعه دموکراتیسم کاذب و ایده اپورتونیستی ساختمان تشکیلات از پایین به بالا به کمک باند خود در تشکیلات پیستم‌گره که به وسیله عناصری در بخشهای دیگر این تشکیلات با به تمسخر گرفتن انضباط تشکیلاتی و پیروی نمودن از ایده مختاریت، گام به گام اهداف ضدتشکیلاتی خود را پیش می‌برند، اما رفقای متعهد به خط مشی انقلابی با حفظ کلیه یرنسییها شدیداً در برابر این باند ضد تشکیلاتی به مبارزه برخاستند. فرید عنصر جبون و لیبرالی که سیجوقت جرات ابراز صریح و مشخص نظرانش را نداشت اینبار نیز با انتقادات کوبنده رفقای کمیته روبرو شده بود با حفظ روابط محفلی اما مخفیانه خود با عباس و چندتن از پیشمرگان متزلزل فرصت‌طلبانه و به‌ظاهر از دفاع آشکار خود از محفلیسم دست برداشت. عباس فردی که سابقاً تحت تاثیر... انقلابی یکی از رفقای متعهد به سازمان از آنچنان حیثیت و اعتباری برخوردار بود که او را نا مسئول کمیته کردستان ارتقا دهد اینک در نتیجه دنباله‌روی از نفکرات اپورتونیستی مصطفی مدنی به چنان مهره بی‌اراده‌ای تبدیل شد که بلافاصله با دیدن بازرس تشکیلاتی آماده ترك تشکیلات (یعنی ترك مبارزه) شد که به دلیل جلوگیری فرید از این کار خودداری می‌ورزد. رفقای مرکزیت

سازمان به خائنین قبل از خلع مسئولیت کمیته کردستان به دلیل انحرافاتش از مواضع انقلابی و فعالیتهای ضد تشکیلاتی بارها اخطار شفاهی و کتبی داده بودند اما فردی که اساساً هیچگونه یرنسیی برای خود قائل نباشد و با شارلاتانیسم هر برخوردی را زیر پا بگذارد اخطار و تنبیه هیچ معنی و مفهوم انقلابی نخواهد داشت. این فرد با سوءاستفاده از مسئولیتش در کمیته کردستان به مثابه چماق فرید و امین (مصطفی مدنی) به مقابله با مدافعین خط مشی سازمان پرداخت و بر فعالیتهای ضدتشکیلاتی خود افزود. از آنجا که فرید تحت فشار رفقای کمیته کردستان دیگر نمی‌توانست آشکارا با باند خود ارتباط بگیرد عباس به‌عنوان سخنگوی فرید و امین در ایجاد روابط محفلی فعال‌تر از گذشته گردید و در هر گوشه تشکیلات به تبلیغ سوء بر علیه سازمان و به دفاع از جریانات بورژوا لیبرالی و رفرمیستی پرداخته از اجرای دستورات تشکیلاتی سرباز زد و خودسرانه اصول و مقررات تشکیلات را نقض نمود. تا آنجا که علی‌رغم اعتراضات نیروهای مدافع خط انقلابی در ارائه گزارش سه‌ماهه کمیته کردستان به کمیته مرکزی کمترین اشاره‌ای به اختلافات درون کمیته ننمود و گزارشی را بر اساس نظرات شخصی خود و بر اساس منافع باند خود تنظیم نمود. فرید و عباس که به‌علت ریخت و پاش امکانات تشکیلات قبلاً در معرض انتقاد شدید رفقای مرکزیت قرار گرفته بودند (در این مورد اشارات صریحی نیز از جانب نیروهای تشکیلات و افراد تیم وجود دارد) با تنظیم مخفیانه يك گزارش مالی غیرواقعی و ارسال آن به کمیته مرکزی علی‌رغم اصرار شدید رفقای کمیته‌کردستان از ارائه آن به کمیته خودداری کردند. موارد بسیاری از حرکات ضدتشکیلاتی آنها به دلایل امنیتی امکان افشای علنی ندارد اما به‌دو مورد از فعالیتهای

ضدتشکیلاتی عباس اشاره می‌شود: یدی عضو اخراجی سازمان که از سال ۶۲ تشکیلات خود را ترك کرده و با گرفتن پاسپورت پناهنده‌گی در سوئد زندگی می‌کرد و از اردیبهشت ۶۴ که از سوئد به کردستان آمده بود از بازگشت به محل فعالیت تشکیلاتی‌اش وحشت داشت و به دلیل نقض اصول و یرنسییهای تشکیلاتی و نداشتن روحیه مبارزتی از صفوف سازمان در شهریور ماه ۶۴ اخراج شده بود. اوایل آذرماه با توجیه اقامت در مقر کمیته کردستان از مقر رادیو خارج شده و به کمک گروه اشرف دهقانی در نقطه‌ای اقدام به ملاقات با مهدی سامع نمود و بعد از این ملاقات به‌عنوان مهمان چهار روزه به مقر کمیته کردستان آمد. عباس که از جانب رفیق رابط کمیته مرکزی و کمیته کردستان موظف شده بود یدی را بعد از چهار روز به مقر رادیو برگرداند پس از گذشت دو ماه از اجرای این وظیفه سرباز زد و تا روز وقوع توطئه همچنان به‌بهانه‌ای مختلف از اعزام یدی خائن به مقر رادیو خودداری نمود چراکه طی مدت اقامت این عنصر اخراجی در مقر کمیته کردستان يك نفر دیگر به باند ضدفدایی آنها در این مقر اضافه گشته و نبلیغات سوء علیه سازمان شدت بیشتری یافته بود (یدی مزدور که در مقطع انشعاب اکثریت از سازمان کمترین اطلاعی از مسایل تشکیلاتی نداشت و به‌عجیبی از اتفاقاتی که در آن مقطع واقع شد باخبر نبود به منظور تحریک عباس و پیشمرگان ناآگاه و فریب‌خورده و کسب انورتبه کاذب در شب نوطئه به دروغ به آنها گفته بود: " اقلیت هم به‌زور اسلحه از اکثریت امکانات گرفته است" و عباس نیز در چهره تنفرانگیز یدی برای پیشبرد اهداف ضدتشکیلاتی‌اش مشوق دیگران را می‌دید. اضافه بر آن پس از گزارش یکی از رفقای تشکیلات رادیو عباس در حضور چند تن از رفقا به لجن‌پراکنی

علیه تشکیلات دست‌زده و با دفاع علنی از جریانات رفرمیستی و بورژوازی - لیبرالی پرداخته بود. علی‌رغم تذکرات مکرر رفقای کمیته مرکزی مبنی بر حضور عباس در کمیته رادیو برای انجام تحقیقات حول این مساله ده روز تمام از اجرای این دستور سر باز زد. بالاخره رفقای کمیته مرکزی در نشست فوق‌العاده دوم بهمن ماه خود و با حضور عباس به دلیل نقض مکرر دیسیپلین تشکیلاتی او را از مسئولیت و عضویت از کمیته کردستان خلع نمودند و از او خواستند پس از تحویل مسئولیت خود به مسئول موقت کمیته به مقر رادیو بازگشته و تا برگزاری کنگره در سمان مقر اقامت کند. (حکم سلب مسئولیت از عباس ضمیمه است) عباس پس از مراجعت به مقر کمیته کردستان از اجرای این تصمیم تشکیلاتی نیز سر باز زد و در حضور اعضای کمیته کردستان اعلام نمود که تصمیم کمیته مرکزی را نمی‌پذیرد رفقای مدافع خط مشی سازمان در کمیته کردستان ضمن هشدار به وی در خصوص تداوم اقدامات ضد تشکیلاتی اش اعلام کردند موکدا خواغان اجرای دستورات رفقای سازمان بوده و عباس را فاقد سرکونه مسئولیتی در کمیته کردستان می‌دانند و از او خواستند که کلیه امکانات تشکیلات را در اختیار کمیته قرار دهد که باز عم با مخالفت مصرا نه عباس روبرو شدند. فرید خائن که چند ساعت قبل از اعتراض عباس در جلسه کمیته حضور یافته و با انتخاب مسئول موقت عملاً خلع مسئولیت عباس را تایید کرده بود حتی در تقسیم وظایف کمیته خود مسئولیت تدارکات کمیته را که قبلاً به عهده عباس بود پذیرفت و فرصت طلبانه با عدم حضور عباس در جلسه به طرح انتقاداتی از عباس در زمینه برخورد ساعی ضد تشکیلاتی او پرداخت (فرید سنوز از نتیجه مذاکرات عباس و یدی که بیشتر از دو ساعت به طول انجامیده بود خبر نداشت چون رفقای

کمیته به او مجال ندادند تا با عباس و یدی صحبت کند و بعد تصمیم بگیرد بلادرنگ او را به شرکت در جلسه به منظور اجرای مفاد حکم کمیته مرکزی دعوت کردند). فرید در همان جلسه نیز متعهد شد که تا فردا عباس و یدی را متقاعد کند که به مقر رادیو بروند اما چند ساعت بعد که با عباس و یدی تماس گرفت و از نتیجه تصمیمات آنها باخبر شد به تبعیت از نتیجه این تصمیمات ننگامی که عباس حکم کمیته مرکزی را بی اعتبار اعلام نمود فرید نیز جرات پیدا کرد و به خلع مسئولیت عباس اعتراض کرد و در جلسه صبح روز چهارم بهمن از عضویت خود از کمیته کردستان استعفا نمود و در عصر عمان روز دو پیشمرگه به نامه‌های مهدی و مصطفی به عنوان رابط فرید و عباس و یدی و باندشان در تیم پیشمرگه با وی در ارتباط بودند (مصطفی مزدور کسی است که از طرف سران توطئه به او وعده داده شد تا در صورت موفقیت در اجرای توطئه به او روابط خارج را خواهند داد). رهبران توطئه توسط این دو مزدور به دیگران اطلاع می‌دهند که فردا به محل رادیو رفته و کمیته مرکزی سازمان را برکنار و شورای عالی را جانشین آن خواهند کرد. مهدی با حمید پیشمرگه‌ای که در جریان درگیری زخمی شده نیز این مساله را در میان می‌گذارد و از او و محمود پیشمرگه دیگر می‌خواهد که به آنها بپیوندند اما حمید با نظر او مخالفت کرده و از طرف محمود نیز ابراز مخالفت می‌کند. اما همان شب توطئه قادر مزدوری که در روز توطئه با استفاده از اعتماد رفیق کاوه به او نزدیک شد و او را غافلگیر می‌کند - در بحثی که با رفیق مسئول کمیته نظامی داشته از او درخواست برگزاری کنگره می‌نماید و با اعتراض رفیق که امر برگزاری کنگره به او که يك پیشمرگه است مربوط نمی‌باشد مواجه شده بود به رفیق می‌گوید "عباس ما این

سازمان را داغان می‌کنیم و به جای آن يك سازمان خوب درست می‌کنیم!" در همان شب مصطفی با استفاده از موج رادیویی مکالمه بیسیم رفقای کمیته کردستان را با رفقای مقر رادیو نوشته در اختیار سران توطئه قرار می‌دهد. پیشمرگان فریب خورده کلیه رفقای پیشمرگه مدافع مواضع سازمان را به بهانه‌های مختلف از محل اقامت پیشمرگان به محل دیگری می‌فرستند تا بدون در دسر امداف ضد تشکیلاتی خود را به پیش برند. صبح روز چهارم بهمن عباس به همراه یدی از مقر خارج می‌شوند و در فاصله راه مقر کمیته کردستان و مقر رادیو در قهوه‌خانه‌ای معروف به قامیش منتظر مصطفی می‌مانند. مصطفی به بهانه دیدن برادرش که اگر امروز قبل از اینکه او را به بیمارستان ببرند نبیند دیگر ممکن است موفق به دیدار برادرش نشود، نیز با عجله از مقر خارج شد و به نزد یدی و عباس رفته در حدود ساعت دوازده و پانزده دقیقه به اتفاق مادر ساحی‌ها که تاکنون در مقر گروه اشرف دسقانی نگهداری می‌شد و فرزندان خردسال بابک خائن و مزدور دیگری به نام آذر که دو روز قبل به جرم شرکت در توطئه مسلحانه‌ای که به اتفاق سعید (حماد شبیانی) جنایتکار در آن شرکت داشت (این توطئه توسط رفقا کشف و خنثی شد) اخراج شده بود به مقر کمیته بازگشته و در عمان ساعتی که عباس و یدی از مقر خارج گشتند قادر از انبار اسلحه کمیته يك صندوق فشنگ به چادر پیشمرگان آورده و مزدوران خشابهای خالی خود را پر کردند و به برداشتن خشابهای اضافی اکتفا نکرده حتی گلوله‌های اضافی داخل جیبهای خود ریختند. لازم به یادآوری است که سرچه خشاب چهل تیری کلاشینکف در داخل انبار سلاح کمیته بود برداشته بودند. از ساعات اول صبح فرزاد، انور و قادر تفنگهای تمیز کرده خود را که با . . . خشاب

افزایی به آن افزوده بودند بسته و داخل محوطه مقر مشغول رفت و آمد تهدیدآمیز بودند. انور فرد منفعل و ضدتشکیلات که به دلیل اختلافات شخصی عیجوقت وارد مقر پیشمرگه نمی‌شد - این مزدور در بخش انتشارات کار می‌کرد - صبح آن روز به چادر پیشمرگان رفته و بعد از یک کردن تفنگش گفته: "چهار سال است که با این تفنگ تقه (یعنی شلیک) نکرده‌ام. می‌خواهم امروز آزمایشش کنم. ببینم خوب تقه می‌کند یا نه". قادر نیز با یک قنடاق ناشو کلاشینکف وارد چادر شده بعد از کمی وررفتن به منظور تعمیر قنடاق از این کار منصرف شده قنடاق ناشو را به کناری انداخته و می‌گوید: "حالا که نمی‌شه". این مزدور به علت عجله از این کار منصرف می‌شود. یکی از رفقای پیشمرگه که روز قبل برای کار واجبی از مقر خارج شده بود در بازگشت می‌بیند تمام گلوله‌های خشابهایش را خالی کرده‌اند و خشاب چهل تیری او را برداشته و تفنگش را از کار انداخته‌اند. سلاحهای دیگری را نیز از کار انداخته بودند. عباس از روز قبل در روستاسای مجاور به دنبال این رفیق و رفیق پیشمرگه دیگری که در مقر نبودند با اصرار جستجو می‌کرد تا مسایل مهمی را با آنها در میان نهد. در روز اول بهمین رفیق پیشمرگه دیگری عازم رفتن به مرخصی بوده است عباس که او را عازم می‌بیند به او می‌گوید: "انتظار نداشتم در این شرایط بروی!" از مدتها قبل سران این باند برای طرح‌ریزی مقاصد ضد تشکیلاتی خود به منظور مشاوره با عم محفلیهای خود به مقر کمیته مراجعه می‌کردند. امین چند هفته قبل از توطئه به منظور سازماندهی توطئه شومش به مقر کمیته آمده و در گفتگوهای متعددی با عناصر محفل با ضدتشکیلات در درون پیتمرگان مقاصد سوئی را سازمان برنامه‌ریزی کرده بود. مدتی بعد مهدی که در مقر رادیو کار می‌کرد

برای معلوم کردن نتایج توطئه امین به مقر کمیته آمد و پس از صحبت با یدی با عجله به مقر رادیو بازگشت و سعید پس از صحبت با مهدی در مقر رادیو با سرعت به مقر کمیته آمد و ضمن تماس با حزب دموکرات و مذاکرات مجدد با یدی، فرید و عباس طی اقامت سه‌روزه‌اش در کمیته‌گردستان آنها را در جریان توطئه‌ای که بعدا توسط رفقای مقر رادیو کشف و خنثی شد و منجر به اخراج سعید گشت، قرار داد. حتی با دادن نامه‌ای تهدیدآمیز به رفقای پیشمرگه ضمن لجن پراکنی علیه سازمان تلاش کرده بود برخی از عناصر را به باند جنایتکار خود جلب نماید. در نتیجه این تحریکات یدی کُرد مسئول ندارکات داخلی مقر کمیته گردستان به یکی از رفقای پیشمرگه چند روز قبل از توطئه گفته بوده است: "اسلحه‌ات را خوب مواظبت کن ممکن است پیش آمدی بشود که اسلحه لازم بشود". همین یدی کُرد در روز توطئه به جای اسلحه سازمانی خود که ژ ۳ است، کلاشینکف برداشته بود و در روز قبل از توطئه پیشمرگه دیگری به نام فواد به یکی از رفقا گفته است: "در روزهای نزدیک انشعاب صورت می‌گیرد و تا کنگره بدتر هم می‌شود". همین مزدور روز چهارم بهمین ماه قبل از حرکت در حضور یکی از رفقای تشکیلاتی کمیته گردستان به‌ادر می‌گوید: "می‌رویم حالیشان می‌کنیم". مسعود طی یکی از روزهایی که سعید آنجا بود گفته است: "اگرچه در جوله نتوانستم کاری انجام دهم - منظورش خرابکاری است - و تنبل بودم ولی در این جوله فعال خواهم بود و زرنک می‌شوم". عادی مسئول مقر فرد فریب خورده‌ای که در حین درگیری کشته شده است سلاح سازمانی خود را که ژ ۳ بود با مسلسل آر. پی. جی. تعویض کرد و وقتی از او سؤال می‌شود با رشاشن کجا می‌روی؟ می‌گوید: "می‌خواهم بجنگم". فرید نیز که صبح همان روز از

عضویت در کمیته استعفا داده بود به سلاح کلت مسلح شده و در محوطه مقر مضطرب و پریشان قدم می‌زد. بابرگشتن عباس به مقر با خوشحالی به رفقای کمیته خبر داد که: "عباس سم آمد". عباس به‌عمره مادر سلاحی و فرزندان بایک و مصطفی و آذر به مقر مراجعت کردند. یکی از رفقای کمیته گردستان از او پرسید: کاک عباس چرا برگشتی؟ او در جواب گفت آمده‌ام عمه را با خودم ببرم. به محض ورود عباس به مقر کلیه افراد فریب خورده مسلح شده و در محوطه مقر جمع شدند. فریده و فرید سه ساک سنگین محتوی اسناد و مدارک و پول تشکیلات کمیته گردستان را که از قبل آماده کرده بودند به‌سرفت می‌برند. ساکها به‌علت سنگینی به سختی حمل می‌شدند. مادر سلاحی و آذر خائن برای تحریک توطئه‌گران و جلب عناصر متزلزل وارد محوطه مقر کمیته گشته و حدود یک ساعت به‌صورت تهبیجی دعوت به‌پیوستن افراد مقر به جمع اوباشان توطئه‌گر می‌نماید. توطئه‌گران تا وقت تماس بی‌سیم دو ماشین استیشن را به‌مدت ۲۰ دقیقه معطل نگه داشته بودند، چند لحظه به‌ساعت مقرر بی‌سیم مانده قادر و مصطفی که در کنار فرید بودند با عجله از او جدا شده و آنتن بی‌سیم را قطع کرده و در آتش سوزاندند. بعداز قطع بی‌سیم در حالیکه سلاحهای بعضی از رفقای مقر را از کار انداخته بودند سوار ماشین شدند. قبل از حرکت علی در حالیکه تهدید می‌کرد گفت: "می‌رویم بالایی‌ها را می‌زنییم و بعد اینها را نیز از اینجا بیرون می‌کنیم". لازم به تندر است که رفقای کمیته گردستان صرفا به خاطر بیرغیز از بروز نشنج و درگیری مسلحانه به‌مقابله جدی با آنها برخاستند. کمی قبل از رسیدن توطئه‌گران به مقر رادیو دو نفر از پیشمرگان سازمان که از روستایی نزدیک مقر رادیو عبور می‌کردند توسط

ناصر (فردی که از ظهر همان روز با اسلحه از مقر رادیو فرار کرده و در روسای مجاور منتظر ورود یکی از نوطه‌گران بود) به خانه جلال (دکاندار) هدایت می‌شود. سعید در آن خانه بوده و به ایشان می‌گوید: " من از طرف شورای عالی اعلام می‌کنم که ... و ... (دو تن از رفقای مرکزیت سازمان) را باید زنده دستگیر کنیم " یکی از پیشمرگان در جواب او می‌گوید: " کاک سعید ما با شما همراه نیستیم " مزدوران برخلاف همیشه که در مقابل مقر با ماشین می‌رفتند اینبار در حد فاصل مقر رادیو و روسای گاپیلون از ماشین پیاده می‌شوند و با آگاهی از ساعت ننگیانی و ساعتی که بیشتر رفقای مقر در یک جا جمع می‌شوند با آرایش نظامی کامل به سوی مقر رادیو حرکت می‌کنند. آنها قصد داشتند با ارتباط فردی که در روابط عمومی رادیو کار می‌کرد و از قبل در جریان توطئه قرار داشت، وارد مقر شده و رفقا را غافلگیر کنند (قبلاً با قطع آنتن بی‌سیم مقر کمیته کردستان ارتباط بین دو مقر رفقای مقر رادیو از مقاصد شوم آنها بی‌اطلاع هستند) در محوطه روابط عمومی مقر رادیو رفیق کاوه از آنها می‌خواهد سلاحهای خودشان را تحویل داده و بعد داخل شوند. مسعود، مصطفی، عباس، فواد و قادر بدون توجه به اخطارها و تاکیدهای کاوه جلو می‌آیند. کاوه با اصرار از مسعود می‌خواهد که سلاحش را گذاشته بدون اسلحه وارد مقر شود و در جواب مسعود که با تهدید می‌خواهد کاوه از سر راعش کنار برود، عباس با نمسخر و تهدید به کاوه گفته است " تسلیم شود، و بیخودی خودش را به‌کشن ندهد " و باز هم در جواب کاوه که موکداً می‌گفته سلاحش را به دستور تشکیلات به‌زمین بگذارد تا بگذارم بروی داخل مقر، عباس با لحنی تحقیرآمیز گفت: " اذن معلوم میشه

که تشکیلات کیه ؟ " کاوه در حالی که عقب عقب می‌آمده اخطار می‌کند قبل از ترك اسلحه بر طبق دستور تشکیلات نمی‌توانید وارد مقر شوید، و چون آنها نزدیکتر می‌شوند تیر عوایی شلیک می‌کند. مسعود بدون اینکه کلنگدن خود را بکشد - قبلاً تفنگ خود را مسلح کرده و درجه ضامن سلاحش را بر روی رگبار گذاشته بود - پیکر رشید پیر تور سازمان، فدایی خلقی کاوه را از فاصله بسیار نزدیکی به رگبار می‌بندد و به دنبال او عباس نیز خورده و به‌زمین می‌افتد. روشن نیست که گلوله مسعود سنگام شلیک به سوی کاوه به او خورده یا رفیق اسکندر او را زده است. بر طبق اظهار پیشمرگان اتحادیه میهنی و رفیق پزشکی سازمان، جسد عباس روی پیکر

غرقه به خون رفیق کاوه افتاده بود. رفیق اسکندر را نیز در همان لحظات اول از چند طرف آنچنان به رگبار می‌بندند که خشاب دور کمر رفیق در اثر این رگبار داغان شده و مهمات داخل آن منفجر و پیکر بر صلابت رفیق دلآور متلاشی می‌شود. چند دقیقه بعد از قطع درگیری به علت دخالت پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان رفیق حسن که برای کمک به رفقای مجروح از جای خود حرکت کرده بود بر اثر شلیک مزدوران به شهادت می‌رسد. توطئه بر اثر مقاومت فهروانان رفقای مقر کمیته رادیو با شکست مفتضحانه باند مافیایی مصطفی مدنی خنثی می‌شود و بهمن ماه در روز چهارم خود اینبار در سرزمین کردستان خونین به‌میعاد رستاخیز سیاه‌کل می‌شتابد.

ضمیمه يك

گزارش بازرسی از تشکیلات کمیته کردستان

رفقا، شما نگونه که در آخرین گزارش کمیته مرکزی سازمان به تشکیلات در اوایل مهرماه ذکر شده بود کمیته مرکزی سازمان به‌منظور اطلاع دقیق‌تر و عمه جانبه‌تر از مسایل و مشکلات تشکیلات کمیته کردستان سازمان تصمیم گرفت که این بازرسی دقیق از تمام بخشهای تشکیلات کمیته کردستان به‌عمل آید. رفقای کمیته رهبرین کننده کمیته کردستان این درک نادرست و انحرافی را ارائه می‌دادند که بازرسی منجر به شکستن اتوریته مسئولین می‌گردد اما کمیته مرکزی سازمان ضمن رد چنین درکی بر اصولی بودن بازرسی از تمام بخشهای تشکیلات کردستان از جمله تشکیلات پیشمرگه تاکید می‌نماید. طی این بازرسی که از ۲۱/۶/۶۴ تا تاریخ ۲/۷/۶۴ انجام گرفت عملکرد این بخش تشکیلات مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد:

کمیته کردستان اساساً فاقد يك تشکیلات منسجم و منضبط بر اساس

موازین و معیارهای پرولتری است. بی‌برنامگی در زمینه‌های مختلف فعالیت آن به چشم می‌خورد و بی‌نظمی به صورت امری متداول درآمده. سازماندهی نیروهای تشکیلاتی این بخش بر اساس معیارها و موازین دقیق صورت نگرفته، در انتخاب و گزین کردن نیروهای هسته سرخ دقت لازم انجام نگرفته و رفقای که در بخشها و حوزه‌های مختلف سازماندهی شده‌اند از حیث ایدئولوژیک، سیاسی و دموکراتیک در سطح نازلی قرار دارند. علاوه بر این آموزش مداوم و پیوسته‌ای که برای ارتقای ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی هسته‌های سرخ لازم است صورت نگرفته است. انضباط تشکیلاتی به نحوی که شایسته يك سازمان پرولتری است وجود نداشته و بی‌نظمی در فعالیت‌های مختلف این بخش سایه افکنده است. این بی‌نظمی به‌ویژه در زمینه فعالیت نظامی و تدارکات، خرده اختلافات و جبهه‌گیریها نمود

بارزی داشته است. در زمینه تدارکات سمین قدر کافی است که اشاره شود همه نیروهای تشکیلات از نابسامانی و فقدان نظم و کنترل که منجر به از بین رفتن امکانات در این زمینه شده از جمله یوسیدن فشنگ تا فاسد شدن سواد غذایی، ریخت و پاش و ... شدیداً انتقاد می‌شود. در تشکیلات پیشمرگه نیز بارزتر از هر جای دیگری به چشم می‌خورد، تشکیلات پیشمرگه نه فقط فاقد دیسیپلین پرولتری است بلکه بی‌نظمی در منتهای خود وجود دارد. از آنجایی که کنترل و آموزش دقیقی وجود ندارد گزایشات محفلی - جبهه‌گیری و دسته‌بندی در برابر یکدیگر بروز نموده است. کمیته کردستان روابط و معیارهایی را که بر طبق اساسنامه پیشمرگه می‌بایستی در موضع‌گیری رعایت کند در بعضی موارد نقض نموده است. از جمله افرادی که عضویت تشکیلات پیشمرگه درآمده‌اند که فاقد صلاحیت سیاسی و اخلاقی لازم بوده‌اند و در انتخاب فرماندهان نظامی دقت و کنترل جدی صورت نگرفته است. حدود وظایف و اختیارات مسئولین سیاسی و تشکیلاتی و فرماندهان نظامی تصریح نشده است و با اختلافات پیش‌آمده برخورد فوری و جدی صورت نگرفته و این، گزایشات محفلی و بی‌نظمی را در تشکیلات پیشمرگه دامن زده است. مسئولین کمیته در برخورد به انتقادات و نقاط ضعف موجود برخوردی جدی نکرده‌اند و پاسخ قانع کننده‌ای به نیروهای تشکیلات نداده‌اند. این وضعیت نابسامان تا بدانجا پیش رفته است که طی یک سال نیرویی در حد نیروهای موجود، تشکیلات را ترک کرده‌اند. نشریه ریگای که علی‌رغم اینکه منظم انتشار یافته است اما نقش خود را به‌عنوان یک نشریه محلی در خدمت تبلیغ و ترویج مواضع سازمان درک نکرده است. مقالات آن فاقد برد توده‌ای بوده و نقش تبلیغی آن

بسیار محدود بوده است. در مجموع فقدان یک تشکیلات مستحکم و منضبط، بی‌برنامگی و بی‌نظمی و در واقع لیبرالیسم تشکیلاتی در زمینه‌های فعالیت مختلف تشکیلات کمیته کردستان ریشه در فکر فیرپرولتری ارگان رهبری کننده این بخش دارد. برخوردی به انحرافات و نابسامانیهای موجود مستلزم یک برخورد جدی و انتقادی از سوی رفقای کمیته است. رفقای کمیته کردستان موظفند با انتقاد جدی به سبک کار و شیوه برخورد با مسایل تشکیلات، نقاط ضعف، انحرافات موجود به عنوان نخستین گام در برطرف کردن نابسامانیهای موجود با کمک و همکاری رفقای که اخیراً به منظور تقویت این بخش به کمیته کردستان افزوده شده‌اند، رهنمودهای زیر را به مرحله اجرا درآورند و طی سه ماه آینده عملی شدن این رهنمودها را به کمیته مرکزی سازمان گزارش کنند:

۱ - تشکیلات کمیته کردستان باید بر مبنای ایجاد تشکیلاتی مستحکم، منضبط، ادامه‌کار، نیروهای آن به دقت گزین شده و تحت آموزش سیستماتیک قرار گیرند و سازماندهی گردند و تشکیلات کمیته کردستان اساساً متکی به نیروهای بومی باشد که بتواند وظیفه خود را در امر تبلیغ و ترویج و سازماندهی پیش برد. لذا کمیته کردستان با در نظر گرفتن این مساله باید با یک برنامه‌ریزی فشرده در زمینه آموزش ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی وظیفه خود را در این زمینه انجام دهد.

۲ - به منظور جلوگیری از رشد گزایشات غیرتشکیلاتی به وسیله انتقاد و انتقاد از خود برخوردی جدی و همه جانبه صورت گیرد. بحث و انتقاد به عنوان مکانیسم سانترالیسم دموکراتیک در تمام سطوح تشکیلات به مرحله اجرا درآید و با خطاها و انحرافات برخوردی قاطع و جدی صورت

گیرد.

۴ - کنترل و نظارت همه جانبه‌ای از سوی کمیته کردستان بر تمام بخشها و حوزه‌ها اعمال گردد.

۵ - تدارک تشکیلات تحت عدایت یک ارگان درآید و کمیته کردستان نظارت و کنترل جدی بر آن اعمال نماید.

۶ - نشریه ریگای که با مقالاتی عامه‌فهم و نیز مقالات ساده ارگان سراسری سازمان منتشر گردد و تلاش جدی به عمل آید که در آینده بتواند به زبان محلی منتشر شود.

۷ - کمیته کردستان موظف است سازماندهی نیروهای معتقد به خط و مشی سازمان را در شهرهای مختلف کردستان هرچه سریع‌تر آغاز نماید.

۸ - تشکیلات پیشمرگه تحت کنترل و نظارت جدی و اکید قرار گیرد. پذیرش به عضویت تشکیلات پیشمرگه مطلقاً بر اساس روابط و معیارهای تعیین شده در اساسنامه صورت پذیرد، دوره‌های آموزشی که مدتی است متوقف مانده است مجدداً ایجاد گردد و تنها پس از گذراندن این دوره پذیرش به عضویت پیشمرگه انجام پذیرد.

۹ - از طریق سازماندهی ارگان رهبری کننده تیم پیشمرگه و هسته‌های سرخ برخوردی جدی و اغنایی با مسایل و انتقادات رفقای تیم پیشمرگه صورت گیرد و دیسیپلین پرولتری بر تشکیلات پیشمرگه حاکم گردد و برای پیشبرد وظایف مختلف تشکیلاتی، سیاسی و نظامی یک برنامه کوتاه مدت و بلند مدت تدوین گردد و به مرحله اجرا

درآید.

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۲۰ مهر ۶۴

ضمیمه دو

رفیق عباس

علی‌رغم آنکه پس از بازرسی همرواه از کمیته کردستان وجود مناسبات

در حملات اخیر ایران به عراق دهها هزار نفر دیگر کشته و مجروح شدند

را در سراسر این جبهه‌ها آغاز کرد. بنا بر تخمین منابع آگاه، در این آخرین حمله‌ی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی دهها هزار نفر از نیروهای طرفین کشته و زخمی شدند و تعداد زیادی نیز که کودکان خردسال را هم شامل می‌شود، به اسارت در آمده‌اند. خبرنگاران غربی اظهار می‌دارند که مقامات ایرانی مدتی است در امر گسیل آنان به جبهه‌ها ناخیر به وجود می‌آورند و این خود نشانه‌ی وخامت اوضاع و عقب نشینی نیروهای ایرانی است.

روز چهارشنبه ۳۰ بهمن، خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام داشت که یک سوایمی غیرنظامی که آیت‌الله محلاتی، نماینده‌ی خمینی در سپاه پاسداران، و تعدادی از نمایندگان مجلس جزو سرنشینان آن بودند، توسط جنگنده‌های عراقی سرنگون شده است. در این حادثه جمعا ۶۶ تن به‌علاکت رسیده‌اند. □



نیروهای ایرانی زیر حملات شدید نیروی سوایمی عراق قرار گرفت. و به دنبال آن عراق ضد حمله‌ی وسیعی

در تاریخ ۲۰ بهمن، جمهوری اسلامی باذره حمله‌ی بزرگی را که مدتها انتظار آن می‌رفت، در جبهه‌های جنگ با عراق آغاز کرد. این حمله در سه جبهه‌ی شمالی، میانی به‌سوی بصره و جنوبی به‌سوی فاو صورت گرفت. نیروهای نظامی ایران موفق شدند بندر فاو را به‌اشغال خود در آورده و از آنجا به‌سوی ام‌القصر و شاعراه بصره - کویت حملاتی را آغاز کنند.

به‌دنبال این حملات سردمداران رژیم با بوق و کرنا تبلیغات عوام‌فریبانه‌ی وسیعی را در رابطه با " فتوحات سپاه اسلام " در سراسر کشور به‌راه انداختند. اما این پیروزیها زودگذر بود. در پایان هفته‌ی اول

زندانیان سیاسی

و توجیه مرتجعین

اخیرا خوشبینی‌ها دادستان کل کشور، در پی قطعنامه‌ی سازمان ملل در محکومیت ایران در مورد نقض حقوق بشر و رسوا شدن رژیم در سطح افکار عمومی جهان، در پاسخ به‌سئوال یکی از میهمانان دسه‌ی فجر رژیم راجع به زندانیان سیاسی سعی می‌کند با تروریست نامیدن زندانیان سیاسی جنایات رژیم را توجیه کند. او می‌گوید: " بنابراین طبیعی است که نظام در برابر اینگونه افراد قاطعانه رفتار کند. لذا افرادی که بنام زندانی سیاسی از سوی دشمنان ما نامیده می‌شوند در حقیقت تروریست‌هایی هستند که با زبان اسلحه، کشتار، انفجار و ... با ملت سخن می‌گویند و جای آنها جز زندان در جای دیگری نیست." □

رسوایی جدید رژیم

در زیمباوه

در پی سفرهای اخیر خامنه‌ای به پاکستان و چند کشور آفریقایی رسوایی جدیدی بر کارنامه‌ی سپاه مرتجعین رژیم جمهوری اسلامی افزوده گشت. مساله بدین ترتیب است که در مدت اقامت خامنه‌ای در زیمباوه ضیافت شامی به‌افتخار این مطهر ارتجاع از سوی دولت زیمباوه ترتیب داده می‌شود. ولی او از شرکت در این ضیافت خودداری می‌کند، متعاقب آن وزارت خارجه‌ی زیمباوه طی بیانیه‌ای این حرکت مرتجعین را محکوم می‌کند. سفارت جمهوری اسلامی ایران در زیمباوه نیز بیانیه‌ای می‌دهد که در آن آمده است: " درخواست جمهوری اسلامی ایران صرفا برای عدم صرف مشروبات الکلی طی مراسم شام و

در محل برگزاری آن بوده است. از مسئولین برگزارکننده همچنین درخواست شده بود که در خصوص نحوه حضور زنان در میهمانی از جهت رعایت پوشش حجاب و مراعات و ملاحظات لازم توجه کافی مبذول گردد. این نکات از ضروریات شناخته شده و اصولی جهان اسلام است." □

در کنفرانس مطبوعاتی که بعد از این رسوایی ترتیب یافته بود، خامنه‌ای از پاسخ به‌سئوالات مکرر خبرنگاران خارجی در این مورد، با گفتن این که این جزو مسایل مهم ما محسوب نمی‌شود، طفره می‌رفت. در همین رابطه یک خبرنگار زن زیمباوه‌ای خطاب به خامنه‌ای گفت: " آیا شما می‌خواهید فرهنگ خود را بر فرهنگ دیگران نیز تحمیل کنید؟ ما قبول داریم شما فرهنگ خاص خود را دارید ولی آیا این مساله به‌سمه اجازه می‌دهد که فرهنگ خود را به فرهنگ دیگران تحمیل کنید؟ " □

گزارش درباره پناهندگان ایرانی در ترکیه

اخیرا رژیم ارتجاعی ترکیه دریی گسترش فرار دادها و نواقضهای خود با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پیش از پیش به پناهندگان ایرانی فشار وارد آورده است. اوایل ژانویه ۱۹۸۶، ۵ پناهنده را به مسلسل بستند که چهار نفر از آنان کشته و نفر پنجم شدیداً مجروح گردید که از سرنوشت او اطلاعی در دست نیست. این واقعه‌ی ناسف انگیز در مرز ایران و ترکیه نزدیک "وان" صورت گرفت. در مرداد ماه امسال تنش پناهنده‌ی ایرانی که از عراق (اردوگاه سماوه) فرار کرده بودند، به رگبار بسته شدند، که دو نفر از آنان در دم جان سپردند و بقیه مجروح شدند. یکی از شهدا سوادار سازمان بود.

اخیرا عده‌ی بسیاری از ایرانیان را در مرزها دستگیر و عودت داده‌اند. ایرانیانی را نیز در استامبول دستگیر کرده، تحت شکنجه و بازداشت‌های طولانی قرار داده‌اند و عده‌ی نامشخصی بازگردانده شدند. عده‌ی بسیاری در آستانه‌ی تحویل به رژیم ارتجاعی‌اند. اخیراً برخورد پلیس نسبت به ایرانیان به طور مشخص تغییر کرده است. به سختی پناهنده‌ای را می‌پذیرند. اضطراب و دلهره پناهندگان را فرا گرفته است. برخورد مسئولین I C M C (کمیسیون کاتولیکی مهاجرین بین‌المللی) بسیار تحقیرآمیز و تهدیدآمیز است.

در تاریخ ۸۶/۱/۱۹ روزنامه‌ی "حریت" ترکیه، بخشنامه‌ی وزارت کشور ترکیه را چاپ کرده است که اعلام خطری است جدی. در بخشهایی از این روزنامه آمده است: "در طرح وزارت کشور در مورد افزایش تعداد کسانی که از ایران و عراق به طور قاچاق وارد می‌شوند هشدار داده شد که اینها وضعیت

آرام بعد از ۱۲ ایلول را (منظور کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ است) برسم خواهند زد.

"به علت وجود جنک در کشورهای همسایه و رویدادهای خاورمیانه، تعداد کسانی که به صورت قاچاق و غیرقانونی وارد کشورمان می‌شوند، به سرعت افزایش پیدا کرده است و چون تعدادی از این افراد در بدو ورود به قاچاقچی‌گری و کارهای غیرقانونی می‌پردازند، تدابیری از سوی وزارت کشور اتخاذ شده است. وزارت کشور به منظور مبارزه با این خارجی‌ان در شرق و جنوب شرقی منطقه‌ی آناطولی، سه منطقه‌ی حساس را تعیین کرده است و برای کنترل افرادی که به صورت غیرقانونی و یا تحت عنوان پناهنده وارد می‌شوند تصمیماتی اتخاذ کرد. قسمتهایی از بخشنامه‌ی وزارت کشور که برای تمام مناطق فرستاده شده است به قرار زیر است:

"در سالهای اخیر به دلیل جنک ایران و عراق و وقایع افغانستان و لبنان، تعداد خارجیانی که از کشورهای مختلف (به خصوص ایران و عراق) تحت عنوان پناهنده و یا برای کسب ویزا جهت مسافرت به کشورهای دیگر با پاسپورت و یا به طور غیرقانونی وارد کشورمان شده‌اند، افزایش قابل محسوس و مداومی یافته است. کسانی که به طور غیرقانونی وارد ترکیه می‌شوند، در مرزها با یولهای کلانی که به بومیان و قاچاقچیان محلی می‌دهند و نیز با پرداخت رشوه به مامورین دولتی از کنترل و بررسی نگذشته به کشورهای مورد نظر خود می‌روند. به خاطر شرایط ژئوپولیتیک و نیز شرایط سیاسی و وجود بحران در کشورهای همسایه و شرایط بحرانی آنها، تخمین زده می‌شود که روند پناهنده‌گی و یا ورود غیرقانونی و قاچاق

افزایش خواهد یافت و این وضعیت باعث خواهد شد که شرایط سکون و آرامشی که بعد از ۱۲ ایلول (۱۲ سپتامبر ۸۰) در کشورمان به وجود آمده از بین برود، در این عیج گونه شکی وجود ندارد."

"مسئولین می‌گویند به علت این که احتمال دارد کسانی موفق شوند که از مناطق تحت کنترل بگذرند، به همین دلیل، مناطق مذکور به عنوان مناطق حساس اعلام شده‌اند. در بخشنامه آمده است که:

"به منظور جلوگیری از ورود خارجی‌ان به مناطق داخلی، مامورین امنیتی در مناطق تحت کنترل موظفند که کارت شناسایی افراد را شدیداً کنترل کنند و ترمینال اتوبوسها، ایستگاههای ترن، پارکینگ‌های، هتلها و مکتها را زیر نظر قرار دهند. خارجیانی که فاقد پاسپورت قانونی باشند، دستگیر و از مرز مربوطه تحویل داده خواهند شد." □

فناینده مجلس:

جنک زندگان

پس از ۶ سال هنوز در

زیر چادرها زندگی می‌کنند

یکی از نمایندگان ارتجاع در مجلس در مورد کمکهای رژیم به جنک زندگان می‌گوید: "در لایحه بوجه سال ۶۴، شصت میلیارد ریال به جنک زندگان اختصاص داده شده بود. با اینکه در عمل چهار میلیارد ریال بیشتر ندادند. ولی در لایحه بوجه سال ۶۵ این شصت میلیارد ریال به چهل و چهار میلیارد ریال تنزل پیدا می‌کند. با این وضع مشکل جنک زندگان حل نخواهد شد. چون الان جنک زندگانی در منطقه داریم که پس از گذشت ۶ سال از جنک هنوز در زیر چادرها زندگی می‌کنند و با مشکلات بزرگی مواجه هستند." □ (کیهان، ۲۶ دی ۶۴)

وضعیت درمانی کارگران بیمه شده

روابط رژیم

با ژاپن مستحکم تر می شود

بعد از قرارداد اخیر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با شرکت اتومبیل سازی " نیسان " ژاپن، که بنابه نوشته مطبوعات انگلیس يك قرارداد ۲۵۰ میلیون دلاری و به صورت معامله پایاپای با نفت است، اخیرا نیز قرارداد دیگری برای احداث کارخانه آب شیرین کن در ایران به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار با گروهی از شرکتهای ژاپنی منعقد شده است. ایران از شرکتهای ژاپنی درخواست کرده است که میزان واردات نفت خام از ایران را به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار یعنی دو برابر ارزش قرارداد مذکور برسانند. در همین حال يك کارخانه صنعتی ژاپن اعلام کرده است که از ایران سفارشی دریافت کرده است که بر اساس آن ۷۰ هزار دستگاه چرخ خیاطی به ارزش ۱۰ میلیون دلار به ایران صادر خواهد شد. لازم به یادآوری است که در ماه اکتبر سال ۱۹۸۵ ایران مقام دومین صادر کننده نفت به ژاپن را به دست آورد. همچنین میزان فروش نفت ایران به ژاپن در ماه دسامبر گذشته حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز بوده که نسبت به ماههای قبل از آن رقم بالایی را تشکیل می دهد. و اینها عمه در حالی است که رژیم علی رغم تبلیغات کذایی اش نفت را از قیمت تعیین شده او یک نیز نازل تر می فروشد. □

بیمه شدگان موجود و آن ضریب تختی ۱/۵ تا ۱/۶ برای هزار نفری که ما در کشورمان داریم. با اینکه بیمه شدگان نیاز بیشتری به تخت دارند بایستی حداقل ۱۵ هزار تخت بیمارستانی داشته باشد یعنی حدود ۱۰ هزار تخت بیمارستانی کم دارد."

مردی مزدور در بخش یایانی سخنرانی خویش که به توضیح راه حل دولت برای حل مشکل درمان بیمه شدگان می پردازد، کاملا ماعیت ضدکارگری رژیم را آشکار می سازد. او می گوید: " ضمنا برای اینکه توجه بیشتری به بیمه شدگان بکنیم چون دیدیم هزینه درمان سرانه ای که دولت برای کارمندان می دهد ۳۰۰ ریال است و اینها اخیرا ۴۵۰ ریال می دهند فکر کردیم يك فرقی داشته باشد و این دفترچه ها را جدا بکنیم بهر حال آن کسی که حق بیمه سرانه بیشتری می دهد ما بتوانیم برای او خدمت بیشتری بدهیم الانه این دفترچه ها برای تهران تهیه شده است و همین اختلاف بین بیمه شده ها مشکل را تا حدودی کمتر می کند." □

در دی ماه گذشته مردی وزیر بهداشت رژیم در مجلس حاضر می شود تا به سئوالات نماینده تهران در مورد نارسایی های درمان بیمه شدگان پاسخ دهد. این حرکت که بیانگر حاد شدن تضادهای درون حاکمیت است، در عین حال سیاستهای ارتجاعی رژیم در این مورد را به خوبی افشا می کند. نماینده مزدور تهران در مجلس در این باره چنین می گوید: " درمان مجانی را ما الان از کارگر پول می گیریم یعنی از درمانگاه دولتی که در تمام سینم کشور مجانی است و باید خدمات مجانی بدسد ما در اینجا از کارگر پول می گیریم يك خدمت مجانی را پول می گیریم و یکی هم پولی است که از حقوقش کسر می شود و یکی هم پولی است که از کارفرما و دولت گرفته می شود و بعد هم درمان وجود ندارد." مردی در پاسخ می گوید: " ۳۰۰٪ سهم دولت است که این مبلغ را دولت در هیچ سالی نپرداخته مگر در سال ۵۸ که به صورت اوراق قرضه داده ۰۰۰ تعداد تختی که سازمان تامین اجتماعی در حال حاضر دارد حدود ۵۳۲۰ تخت بیمارستانی است که با توجه به تعداد

دانش پزشکی در جمهوری اسلامی

تنظیم کرده ایم شامل حدود ۴۰۰ قلم ماده یا داروی اعتیادآور است که يك قلم آن الکل انیلیک است که ما جزو جدول خودمان قرار داده ایم ولی در جدولهای بین المللی نیست. ما در اجلاسهای مذکور این پیشنهادها را پیگیری خواهیم کرد. از جمله پیشنهاد کرده ایم که الکل را باید جزو مواد اعتیادآور حساب کنند. منتها آنها

رژیم جمهوری اسلامی عیاتی را برای شرکت در اجلاس فوق العاده کمیسیون مواد مخدر سازمان ملل که فرار است در بهمن ماه در وین برگزار شود، اعزام می کند. دکتر حسین فخر سرپرست سناد مبارزه با اعیاد و مدیر کل مواد مخدر رژیم قبل از حرکت در مصاحبه ای می گوید: " جدول مواد اعتیادآوران که در اینجا

مخالف هستند و می گویند الکل يك ماده غذایی است و ما با مدارک علمی که داریم این قضیه را پیگیری می کنیم. البته مشکل است که کشورهای اروپایی و آمریکایی و کشورهای کمونیست، الکل را جزو جدول قرار بدهند اما این اقدام شاید کشورهای اسلامی را وادار کند که این کار را بکنند." □

شلاق پاسخ اسلامی به اعتراض کشاورزان

اسلام و دفاع از مالکیت

رژیم جمهوری اسلامی که در دفاع از سرمایه و حریم مالکیت خصوصی هیچ محدودیتی برای خود قایل نیست، بعد از صدور حکم تخلیه بسیاری از مدارس به نفع مالکان، اینک حکم تخلیه بیمارستانها را صادر کرده است. روزنامه کیهان مورخ ۳ دی ماه ۶۴ بعد از درج حکم تخلیه "مرکز روان پزشکی هدایت" به نقل از روابط عمومی سازمان منطقه‌ای بهداشتی استان می‌نویسد که با اجرای این احکام تخلیه، حدود ۳۰ درمانگاه مهم در شرف تعطیل قرار می‌گیرد.

همچنین روزنامه کیهان مورخ ۲۳ دی ماه ۶۴ گزارشی از تخلیه قسمتی از بیمارستان کودکان "شهید محمدباقر صدر" را با شکایت مالک درج کرده است. در این گزارش رئیس بیمارستان می‌گوید: "الان مدت‌هاست می‌خواهند اینجا را تخلیه کنند. سه ماه پیش دو طبقه از ساختمان را تخلیه کردند که موجب از کار افتادن بخش داخلی ما شد و ظرفیت پذیرش ما بیش از ۵۰ تخت کاهش یافت." او سپس می‌افزاید: "برای تخلیه این قسمت به ما دو ماه مهلت دادند. من می‌خواهم سؤال کنم، اگر جای دیگری برای بیمارستان داشتیم چه ضرورتی داشت که دوماه مهلت بدهند؟! این محل جایگاه دستگاههای حیاتی بیمارستان است بخصوص محل منبع اکسیژن که به اتاقهای مختلف لوله‌کشی کرده‌ایم و الان بیمارستان بدون اکسیژن چگونه کارش را ادامه دهد. دستگاههای سنترال گاز، سردخانه، کیسول گاز، ماشین‌آلات، لباسشویی و آشپزخانه و همه در این محل قرار داشتند که الان در حیاط ریخته است، لباسها را در گونی کرده‌ایم و در درمانگاه گذاشته‌ایم و درمانگاه را تعطیل کرده‌ایم." □

سواه برای ۸ نفر از کشاورزان و دامداران آبادی حکم پنجاه ضربه شلاق گرفت."

روزنامه کیهان سپس می‌افزاید: "با صدور حکم شلاق از سوی دادسرای ساوه، پاسگاه ژاندارمری زرنجد ضمن تاخیر در اجرای آن به دادگستری ساوه اطلاع داد که در میان محکومین به شلاق افراد ضعیف، سالخورده و خانواده شهید وجود دارد، لیکن دادگستری اجرای حکم را تأیید نمود و سرانجام علی‌رغم اعتراضات روستاییان حکم شلاق اجرا شد." □

چندی قبل عده‌ای از کشاورزان روستای کریم‌آباد از توابع بخش زرنجد ساوه ضمن اجتماع در برابر ساختمان دادگستری شهرستان ساوه به صدور حکم شلاق برای ۸ نفر از کشاورزان و دامداران روستای کریم‌آباد اعتراض می‌کنند.

روزنامه کیهان مورخ ۲۲ دی به نقل از یکی از روستاییان در این باره می‌نویسد: "چندی قبل شخصی به نام منتصری مدعی مالکیت بر مراتع و چراگاههای حریم روستای ما شد که مورد مخالفت روستاییان فرار گرفت. این شخص پس از چندی، از دادسرای

"کارهایی که برای زنان

در اسلام منع شده است"

رفسنجانی در نماز جمعه کارهایی را که انجام آنها برای زنان در اسلام منع شده است چنین برمی‌شمارد: مورد اول قضاوت است. "چون قضاوت در اسلام به‌عنوان کار مطرح نیست بلکه به‌عنوان یک مسئولیت و تکلیف مطرح است"، "مورد دوم جهاد است"، "مورد سوم عم که خیلی نادر است مقام مرجعیت دینی برای خانمهاست که البته این مورد هم در اسلام به عنوان کار مد نظر نیست بلکه یک تکلیف است." □

در رابطه با این مورد سوم باید بگوییم که اسلام راستین سازمان مجاهدین با انقلاب ایدئولوژیک اخیر مسعود و مریم راه را برای خانم مریم عضدانلو باز کرده است و او توانست با مرجع عالیقدر مسعود رجوی هم‌مدیف بشود. □



انگلیس -

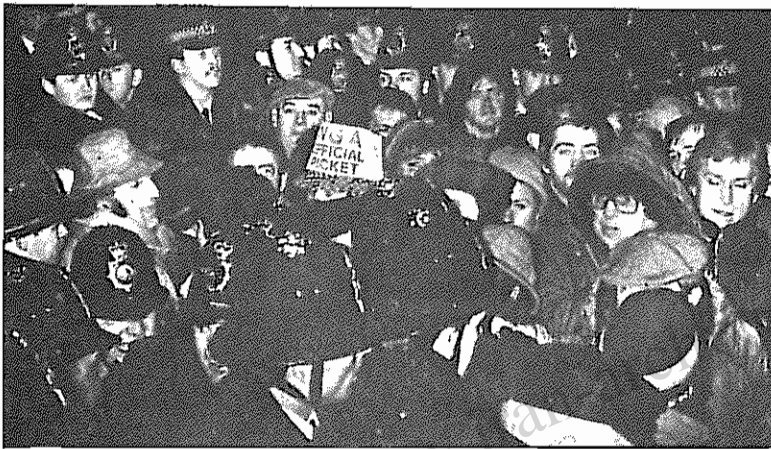
مبارزه کارگران
چاپ اوج می‌گیرد

از زمان به قدرت رسیدن ناچر، نخست وزیر انگلیس، در سال ۱۹۷۹، طبقه‌ی کارگر انگلیس با یورش عمده‌ی جانبی دولت روبرو شده است. سیاستهای عمیقاً ضدکارگری دولت محافظه‌کار در طی این چند سال ضربه‌ی سهمگینی بر تشکلهای عمده‌ی طبقه‌ی کارگر، به‌ویژه اتحادیه‌های کارگری وارد آمده است. در چنین وضعیتی که دولت و سرمایه‌داران از عیب‌چاپ اقدام ضدکارگر فروگذار نمی‌کنند، و در شرایطی که خیل بیکاران هر دم بر صف چند میلیونی کارگران بیکار این کشور افزوده می‌شوند، طبقه‌ی کارگر انگلیس بارها طی حرکتها و اعتراضات خود با این سیاستهای ارتجاعی به‌مقابله برخاسته است. اما به‌دلیل قدرت برتر دولت و سرمایه‌داران و سازشکاری رهبران اتحادیه‌های کارگری، سهمی این حرکتها بی‌نتیجه و به‌شکست انجامیده است. بر اثر این شکستها نه‌تنها تشکلهای کارگری این کشور عرصه بیشتر تضعیف شده‌اند، بلکه در سایه‌ی سیاستهای سازشکارانه‌ی رهبران اتحادیه‌های کارگری، دولت و سرمایه‌داران با فراغ خاطر طرحها و نقشه‌های خود را به‌اجرا می‌گذارند. در ادامه‌ی چنین وضعیتی، یعنی تهاجم سهم جانبی دولت و ضعف بی‌سابقه‌ی اتحادیه‌های کارگری است که اعتصاب کارگران چاپ آغاز می‌شود.

اعتصاب کنونی کارگران چاپ با اخراج ۶،۰۰۰ تن کارگر اعتراضی در ماه گذشته آغاز شد. قبل از شروع اعتصاب، اتحادیه‌ی کارگران چاپ با آگاهی از این مساله که رابرت مرداک، صاحب چهار روزنامه‌ی بریتانیا انگلیسی، از جمله روزنامه‌ی تایمز،

در مجتمع مدرن و جدیدالتاسیس خود قصد انتشار روزنامه‌ی جدیدی را دارد، سعی می‌کند در مورد قوانین کار در این مجتمع با او به‌مذاکره بنشینند. اما مرداک، با پیش گذاشتن عقب‌افزاده‌ترین قوانین، آگاهانه از ادامه‌ی مذاکرات سر باز می‌زند و مذاکرات در همین نقطه خاتمه می‌یابد. ولی سدف مرداک تنها تحمیل قوانین ارتجاعی کار بر اتحادیه‌ی چاپ نبود، او همچنین از مدتها قبل قصد داشت که بدون هیچ گونه مشورتی با اتحادیه،

مذاکره با اتحادیه، کارگران چاپ دست به سازماندهی تظاهرات ایستاده در مقابل این مجتمع می‌زنند و با شرکت گسترده‌ی خود در این تظاهرات کوشش می‌کنند تا از خروج کامیونهای حامل روزنامه از مجتمع، جلوگیری به‌عمل آورند. اما مرداک بار دیگر با توسل به دادگاهها و قوانین ضدکارگری موجود، اتحادیه‌ی کارگری چاپ (SOGAT) را در تنگنا فرار می‌داند و طبق تصمیم دادگاه تمامی موجودی اتحادیه ضبط می‌شود و اتحادیه به‌خاطر زیرپا گذاشتن



کارگران چاپ انگلیس در برخورد با پلیس دیده می‌شوند

چهار روزنامه‌ی دیگر خود را با حداقل نیروی کار ممکن، در این مجتمع به چاپ رساند. به‌سخن دیگر، مرداک سعی داشت با اخراج همه‌ی کارگران چاپ و با تحمیل عقب‌افزاده‌ترین قوانین کار، قدرت بلامنازع خود را به‌نمایش گذارد. بر این اصل بود که کارگران چاپ بعد از به‌هم پاشیدن مذاکرات و آگاهی یافتن از نقشه‌های پلید مرداک دست به‌اعتصاب می‌زنند. اما مرداک فرصت را مغفتم شمرده و با توسل جستن به‌قوانین ضدکارگری موجود، سهمی کارگران را بدون پرداختن حق بیکاری‌شان از کار اخراج می‌کند و بدین سان به‌عدفهای چندین ساله‌ی خود جامعه‌ی عمل یوشاند.

به‌دنبال اخراج دسته جمعی کارگران، و خودداری مرداک از هرگونه

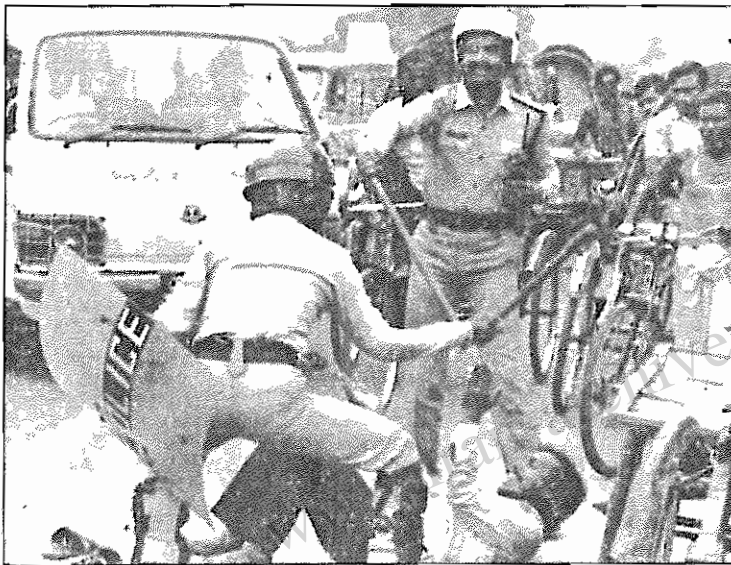
قانون به‌پرداخت ۲۵،۰۰۰ پوند جریمه محکوم می‌شود. در برابر چنین وضعیتی که فعالیت سالی معمولی اتحادیه از سوی دادگاهها مشمول "قانون" شده است و در شرایطی که دادگاهها، این یار با وفای سرمایه‌داران، حمایت‌های عقلی دیگر اتحادیه را "غیرقانونی" اعلام کرده‌اند، سازماندهی کارگران و مبارزه‌ی قاطعانه با قوانین ضدکارگری موجود، تنها راه رویارویی واقعی با دولت و تصمیمات اخیر مرداک به‌نظر می‌آید. اما رهبران سازشکار اتحادیه‌ها ترسوتر از آنند که به‌بسیج عمومی کارگران دست زنند و از محدودده‌ی تنگ قوانین بورژوازی یا فراتر گذارند، و این در حالی است که تاکنون دهها تن از کارگران به‌وسیله‌ی پلیس ضدشورش

پلیس دو تن از دانشجویان را در داکا به قتل رساند

اوضاع بحرانی که امروز در بنگلادش حکمفرماست، منجر به اوج گیری مبارزات توده‌ای شده است و دولت که قادر به حل بحران نیست، سرکوب این مبارزات را در دستور کار خود قرار داده است.

و پلیس با توده‌های مخالف دولت صورت گرفت. در زد و خوردسای بین آنها صدها نفر از طرفین شدیداً زخمی شده و پلیس دهها نفر از مخالفان را بازداشت کرد.

در حالی که ژنرال ارشاد بعد از



پلیس داکا برای متفرق کردن تظاهرات دانشجویان به خشونت متوسل می‌شود

در اواسط فوریه پلیس در حمله به تظاهرات دانشجویان صدها نفر را دستگیر و حداقل دو نفر از دانشجویان را به قتل رساند. به دنبال یورش پلیس به تظاهرات دانشجویان، درگیریهای وسیعی بین مزدوران حکومت ارشاد

سال ۱۹۸۲ تا به حال سه بار انتخاباتی را که قرار بود در آوریل ۱۹۸۵ برگزار شود، لغو کرده است، بار دیگر قول انتخابات جدیدی را در ژوئن ۱۹۸۶ داد.

مبارزه یا تورم معرفی کرده بود. کارگران بولیوی که از نارنجی‌های مبارزات پیرسابقه و طولانی برخوردارند با آگاهی به این امر که سیاست جدید دولت و کابینه معرفی شده چیزی بیش از یک عوام‌فریبی نبوده و حاصل آن به جز فقر و بیکاری روزافزون چیز دیگری برای آنان به ارمغان نمی‌آورد، در حقیقت با حرکت یکپارچه و شکوهمند

خویش جواب دندان شکنی به این ارتجاعیون پاسدار سرمایه دادند. کارگران بولیوی در تجربه‌ی ۸ ماهه گذشته که استتسورو به مقام ریاست جمهوری انتخاب گردیده است به این امر پی برده‌اند که تنها با حرکت مستقل خویش می‌توانند پیگیرانه در مقابل ارتجاعیون ایستادگی کنند و در جهت تحقق خواسته‌های خویش گام بردارند.

دستگیر و روانه‌ی زندانها شدند. مبارزه‌ی کنونی کارگران چاپ از اهمیت زیادی برخوردار است. این مبارزه‌ای است برای بقا و ادامه‌ی حیات دو اتحادیه‌ی کارگری که در گذشته جزو نیرومندترین اتحادیه‌های کارگری انگلیس به‌شمار می‌آمدند. از این رو پیامد این اعصاب بر ادامه‌ی حیات و استقلال این اتحادیه و برانگیختن کارگران دیگر بخشها در مبارزه علیه سیاستهای ضدکارگری دولت تاچر تاثیر مستقیمی بر جان خواهد گذاشت.

ترکیه -

زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا می‌زنند

حدود ۱۴۵ نفر از زندانیان سیاسی زندان آدانا واقع در جنوب ترکیه، که یکی از مخوف ترین سیاهچالهای ترکیه است، در اعتراض به وضع موجود در زندان و اعمال شکنجه‌های وحشتناک، دست به یک اعتصاب غذای نامحدود زدند. تمامی این زندانیان سیاسی اعضا و یا عواداران سازمانهای چپ ترکیه بوده و بنابه گفته‌ی مقامات زندان فرار است که همگی آنان در چند هفته‌ی آینده در دادگاههای نظامی محاکمه گردند. تعداد بسیار زیادی از خانواده‌های این زندانیان نیز در پشتیبانی از خواست آنان در مقابل زندان دست به تحصن زدند.

بولیوی -

کارگران دست به اعتصاب عمومی زدند

در اواخر ژانویه گذشته، کارگران مبارز بولیوی با یک حرکت یکپارچه در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت این کشور، دست به یک اعتصاب عمومی شکوهمند ۲۴ ساعته زدند. این اعتصاب زمانی صورت گرفت که تنها چند ساعت قبل از آن رئیس جمهوری بولیوی کابینه‌ی جدیدی را برای به‌اصطلاح

زحمتکشان علیه دیدار پاپ و افزایش قیمتها شورش کردند

به دنبال دیدار ۱۰ روزه پاپ از هندوستان، موج وسیع تظاهرات، چند شهر بزرگ هندوستان را فرا گرفت. عظیم‌ترین این تظاهرات در دلهی نو و بمبئی در روزهای ورود و خروج پاپ انجام گرفت. تظاهرکنندگان با دادن شعارهایی چون " پاپ جاسوس امپریالیسم است " اعتراض خود را علیه این دیدار نشان دادند. در زد و خوردهای بین مردم و پلیس تعدادی زخمی و دهها نفر دستگیر شدند. ضمناً در ماه اخیر، از طرف ایورنسیون، يك اعتصاب ۱۰ ساعته علیه بازا بردن قیمت بنزین، گاز و حمل نقل اعلام شد. در این روزگلیهی بانکها، مراکز خرید و فروش، مدرسه‌ها، اداره‌های دولتی و ۰۰۰ دست از کار کشیدند و به اعتصاب پیوستند. تظاهر

کنندگان در طول راه پیمایی خود شعارهایی علیه گرانی داده و شیشه‌های بیش از ۱۰۰ اتوبوس را شکستند و تعدادی از آنها را به آتش کشیدند. در این درگیریها حداقل ۳۰۰ نفر زخمی و ۵۰۰ نفر دستگیر شدند. به دنبال این اعتراضات مردم، دولت مجبور به پایین آوردن قیمت بنزین شد. در تاریخ ۲۱ فوریه نیز در اعتراض به بالا رفتن قیمت مواد غذایی، مردم بار دیگر دست به تظاهرات زدند و در خیابانهای دلهی شعارهای " مرگ بر راجیو گاندی " سر دادند. پلیس در این تظاهرات حدود ۱۰,۰۰۰ نفر از تظاهرکنندگان را دستگیر کرد. قرار است به زودی يك اعتصاب سراسری دیگر علیه بالا رفتن قیمت مواد غذایی انجام گیرد. □

کارگران به مبارزه علیه دولت برمی‌خیزند

در چند هفته‌ی اخیر تعداد قابل توجهی از اعضای اتحادیه‌های کارگری وابسته به حزب حاکم سوسیالیست (پاسوک) که در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت " پاپاندرو " به افشاگریهای وسیعی بر علیه مقامات دولتی پرداخته بودند و از این اتحادیه اخراج گردیده بودند، اتحادیه‌ی کارگری جدیدی را تاسیس کردند.

آنان با صدور اطلاعیه‌ای ثابت نگهداشتن سطح دستمزدها و افزایش قیمت کالاهای مصرفی را محکوم کردند و خاطر نشان ساختند که پاپاندرو رهبر حزب و رئیس جمهور این کشور، که قبل از انتخابات وعده‌های گوناگونی را جهت بهبودی شرایط زندگی کارگران داده بود، به تمام کارگران خیانت کرده است. این کارگران از کلیهی کارگران یونان خواستند که با تحریم اتحادیه متعلق به حزب " سوسیالیست " به اتحادیه‌ی جدیدالتاسیس آنان بپیوندند. □

شکست مفتضحانه رهبری سازشکار فلسطین



بار دیگر امید یاسر عرفات، رهبر " سازمان آزادیبخش فلسطین " برای حل مسالمت‌آمیز فلسطین از طریق سران ارتجاعی دولتهای منطقه‌ی خاورمیانه نقش بر آب شد. این بار ملک حسین، جلاد معروف خلق فلسطین، که طی چند سال اخیر به نیابت از کشورهای امپریالیستی نقش میانجیگری را برای تخفیف بحران در منطقه ایفا می‌کرد، شخصاً دست رد بر سینه‌ی رهبر سازشکار این سازمان زد.

عرفات که از مرگونه سازشکاری برای جلب حمایت دولتهای ارتجاعی منطقه و جناحهای مختلف امپریالیستی فرو گذاری نکرده است طی یک سال اخیر به همکاری نزدیکی با سران ارتجاعی

دولتهای مصر، اردن، تونس و ۰۰۰ پرداخته بود. این بار " حل " مسالمت‌آمیز فلسطینی‌ها را در چارچوب دولت " خودمختار " در ساحل غربی رود اردن و تحت نظارت و کنترل قوای اجرایی

و نظامی آن کشور جستجو می‌کرد. اما با تمام این خیانتها و سازشکاریها، ملک حسین در روز ۱۹ فوریه طی یک سخنرانی رادیویی قطع همکاری دولت خود و یاسر عرفات را اعلام کرد و علت آن را عدم قبول اصل ۲۴۲ سازمان ملل (به رسمیت شناختن تمامیت ارضی اسرائیل و دولت آن و شناسایی فلسطینی‌ها به عنوان آوارگان) از جانب عرفات ذکر کرد.

با این شکست مفتضحانه در محیطه‌ی دیپلماسی اتخاذ شده از جانب رهبری " سازمان آزادیبخش فلسطین " ، وظیفه‌ی نیروهای انقلابی فلسطینی می‌باشد که با افشای بی‌رحمانه و

گزارش کوتاهی از انتخابات ۷ فوریه

کرد که برای حفظ نظام موجود و به انحراف کشاندن مبارزات توده‌ها، حتی برای مدت کوتاه، انتخاباتی را در ۷ فوریه برگزار کند. رقیب مارکوس در این انتخابات، کورازون آکینو بود که نامزد اپوزیسیون بورژوازی موجود در فیلیپین است. در واقع حمایت آشکار امپریالیستها از رقیب انتخاباتی مارکوس به خوبی نشان داد که این اپوزیسیون آلترناتیو دلخواه امپریالیسم آمریکا است. خانم

و چریکها در روزنامه‌های فیلیپین چاپ نشود. حملات مسلحانه‌ی این چریکها در ماه‌های اخیر به مراکز نظامی شدت یافته است. چریکهای مسلح ارتش نوین خلق در حال حاضر در ۶۳ استان از کل ۷۳ استان فعالیت

با اوج‌گیری مبارزات توده‌های زحمتکش علیه دیکتاتوری مارکوس، زمینه‌های سقوط این دولت ارتجاعی و سرسپرده بیش‌ازپیش آماده می‌شود. مبارزات مسلحانه‌ی مردم و چریکهای ارتش نوین خلق (N.P.A.) هر روز



نیروهای انقلابی در فیلیپین انتخابات قلابی ۷ فوریه را تحریم می‌کنند

آکینو خوانمان انجام یک رشته رفرم آنهم در سطح پایین و حفظ پایگاه‌های نظامی، عوایی و دریایی آمریکا حداقل تا سال ۱۹۹۱ است. گرچه از قبل نتیجه‌ی انتخابات بر همگان معلوم بود اما، حتی انتخاب کورازون آکینو به ریاست جمهوری نیز نمی‌توانست تغییر آنچنانی در اوضاع بحران زده‌ی کشور انجام دهد. مارکوس که برای ربودن قدرت از سیچ کاری دریغ نکرد، در طول چند هفته‌ی قبل از انتخابات حدود ۱۰۰ نفر از مخالفین خود را به قتل رساند.

می‌کنند و کنترل بیش از ۳۰ شهر را در اختیار دارند. حمایت آشکار توده‌های فیلیپین به خصوص کارگران و کشاورزان از چریکها، مارکوس و امپریالیسم آمریکا را به وحشت انداخته است. بی‌جهت نیست که مارکوس سعی در سرکوب عرچه بیشتر این مبارزات و جلوگیری از نفوذ کمونیسم در میان توده‌های مردم را دارد. بحران اقتصادی - سیاسی حاکم بر کشور و تداوم و اوج‌گیری مبارزات توده‌های زحمتکش فیلیپین، سرانجام دولت فاشیستی مارکوس را مجبور

شدت و حدت بیشتری می‌گیرد. روزی نیست که خبری از درگیری مسلحانه بین ارتش رژیم فاشیستی مارکوس

طرد سیاستهای ضدانقلابی رعب‌ریت فعلی و با تکیه بر نیروی توده‌های زحمتکش فلسطین و ارائه‌ی آلترناتیو انقلابی، مبارزه‌ی بی‌امان خود را بر علیه کلیه‌ی مرتجعین منطقه، کشورهای امپریالیستی و صهیونیستهای اشغالگر ادامه دهند و در راستای تشکیل جمهوری دموکراتیک کارگران و زحمتکشان فلسطین گام بردارند. □

رژیم فاشیستی مارکوس سرانجام در اواخر فوریه بی‌شرمانه اعلام کرد که بار دیگر مارکوس به ریاست جمهوری انتخاب شده است. این در حالی است که توده‌های فیلیپین در هفته‌های قبل از انتخابات با اعتراضات و راه‌پیمایی‌های دهها هزار نفری خود دست به تحریم انتخابات زده بودند. لازم به یادآوری است که طبق گزارش روزنامه‌های انگلیسی دولت شوروی به‌عنوان اولین و تنها دولت دنیا "انتخاب" مارکوس را به ریاست جمهوری فیلیپین تبریک گفته است! □

سری لانکا -

ارتش اهالی يك روستا را قتل عام می‌کند

محصولات زراعتی يك جا می‌سوزانند و عده‌ای دیگر از آنان را روانه زندان می‌کنند. مقامات امنیتی سری لانکا بی‌شرمانه خبر این جنایت را روز بعد از رادیو گزارش می‌دهند و دلیل آن را "پشتیبانی اهالی این منطقه از چریکهای استقلال طلب" اعلام می‌کنند. □

فوای سرکوبگر ارتش سری لانکا در روز ۱۹ فوریه پس از حمله به یکی از مناطق روستایی به نام "آکاریپاتو" اکثر اهالی این روستا را دستگیر کردند و پس از سوزاندن خانه‌ها و مزارع‌های آنان، بیش از ۸۰ نفر از کارگران مزارع کشاورزی را به طرز فجیعی به قتل می‌رسانند. سپس اجساد آنان را با

پرو -

در لیما حالت فوق العاده اعلام می‌شود

در روز جمعه ۷ فوریه، آلن گارسیا، رئیس جمهور پرو، بر فراری حالت فوق العاده را به مدت ۲۰ روز در پایتخت این کشور، شهر "لیما"، و یک شهر دیگر اعلام کرد. طبق مقررات نظامی جدید هرگونه گردنمایی سیاسی غیرقانونی است و نیروهای انتظامی می‌توانند افراد مورد سوءظن را دستگیر و برای مدتی نامحدود زندانی کنند. این تصمیم جدید دولت پرو زمانی صورت می‌گیرد که چریکهای "راه درخشان" و دیگر نیروهای انقلابی پرو در چند ماه اخیر با تمرکز مبارزات مسلحانه‌ی خود در شهرهای بزرگ کشور و به خصوص لیما، ضربات سهمگینی بر نیروهای ارتش و دیگر ارگانهای ارتجاعی وارد آورده‌اند. تنها در هفته‌ی اول فوریه نیروهای انقلابی با انفجار ۵ دکل اصلی نیروگاههای برق در اطراف لیما برق کل شهر را برای چندین ساعت قطع کردند و سپس با حمله به ۷ بانک دولتی و همچنین ۱۰ ساختمان متعلق به حزب حاکم، "آپرا"، نیروهای انتظامی رژیم را کاملاً غافلگیر کردند. از زمانی که آلن گارسیا به‌عنوان رئیس

هائیتی -

پس از فرار دوالیه مبارزات مردم همچنان ادامه دارد

دیگر بر بحران انقلابی در این کشور فایق آمده و از گسترش دامنه‌ی مبارزات مردم زحمتکش برای تحولات بنیادین جلوگیری به عمل آورد. قابل توجه است که در چند روز آخر دیکتاتوری دوالیه نیروهای فاشیستی، دست به کشتار وحشیانه‌ای زدند و فقط در پایتخت، پورتو پرنس، بیش از ۵۰۰ نفر از توده‌های مبارز را به طرز فجیعی قتل عام کردند.

پس از اعلام خبر فرار دوالیه، توده‌های مبارز که طی ۲۸ سال دیکتاتوری ننگین این خاندان از ابتدایی‌ترین آزادیهای سیاسی بی‌بهره بودند، به خیابانها ریخته و ضمن رقص و پایکوبی به ساختمانها و مراکز قوای انتظامی حمله‌ور گردیدند. بسیاری از چهره‌های منفور را به سزای اعمال ننگین‌شان رساندند. اما طبعی نرفته. طرح ریزی شده گروهی از فرماندسان ارتش و چند تن از افراد خود فروخته به‌رغمی ژنرال "سنری لطفی"، یکی از دستیاران نزدیک دوالیه، روز بعد بر صحنه تلویزیون ظاهر شدند و با اعلام انتقال قدرت سیاسی به شورای

در شماره‌های گذشته جهان، اخبار مربوط به گسترش مبارزات توده‌های زحمتکش هائیتی بر علیه دیکتاتوری "دوالیه" را به اطلاع خوانندگان رساندیم. بالاخره، در روز جمعه ۷ فوریه، امپریالیسم آمریکا و سرسپردگان داخلی آن در هائیتی که از شدت گیری مبارزات انقلابی مردم زحمتکش سخت به وحشت افتاده بودند، با اجرای نقشه‌ای که از مدتها پیش طرح ریزی شده بود، دوالیه رئیس جمهور این کشور را تشویق به استعفا و فرار از کشور کردند. آمریکا با این عمل از یک سو قصد داشت مخالفت ظاهری‌ای در مقابل دیکتاتوری دوالیه ابراز کند و از سوی دیگر با تغییر این مهره‌ی دست‌نشانده و جایگزینی او با مهره‌ای

جمهور انتخاب گردیده است، نیروهای انقلابی موفق به گسترش مبارزات خود در شهرهای بزرگ شده و بسیاری از فعالیت‌های نظامی خود را از مناطق روستایی به شهرهای بزرگ انتقال داده‌اند و خود این امر باعث وحشت عیات حاکمه گردیده است. □